

کارخانہ درجہ ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۰ سفاور بودرما و
کمبود جنس ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۰ سفاور (۱۳۰۰) کا البتہ، لیکن انہوں نے یہاں

بقیه بیکاری ۵۰۰ از صفحه ۶

کار مراجعه می کنند، جواب می شنوند که: چون سابقه کار نداری نمی خواهیم و با اینکه چون کاری بلد نیستی استخدام نمی کنیم و از این نوع حرف ها که خودمان نیز آشنائی داریم. عامل دوم بی مصرف شدن کالاهای قدیمی و اثر

ببازار آمدن کالاهای جدید است که باعث بی کار شدن کارگرانیکه کالاهای قدیمی را می ساخته اند میشود مثلاً سازندگان دیگ های مسی که امروز دیگر با آمدن ظروف روحی و آلومینیومی بازارشان از بین رفته، ویا چراغهای نفتی خوراک پیزی که در اثر بی بازار آمدن چراغ گاز دیگر خریدار ندارند ویا چراغ های لامپا که در اثر آمدن برق و لامپ برقی از بین رفته اند و سازندگان تمامی این وسایل بیکار شده اند.

همچنین درشکتهای ها و گاريجی ها و صنایع پنبه ها و غیره و غیره که دیگر وجود ندارند و کسانی که این شغل ها را داشتند بیکارند ویا شغل دیگری پیدا کرده اند.

عامل سوم که تا حدودی شبیه عامل دوم می باشد، عامل ماشین و تکنیک است یعنی اینکه کارخانه های جدیدی ساخته شده که به علت بیکار بردن ماشین های بسیار پیشرفته و مدرن که همگی الکتریکی و الکترونیکی است و میتواند بسیار زیاد تولید کنند. برای کارخانه های قدیمی هم به علت اینکه کم تولید میکنند و هم بخاطر اینکه بازاری را که کارخانه جدید در دست میگیرد ندارند ناچاراً "ورشکست میشوند و کارگران آنها

بیکار می گردند. برای روشن شدن این نوع بیکاری مثالهایی بزنیم. همه به گیش احتیاج داریم، فرض کنیم مصرف این جنس برای شهر همدان در سال برابر با حدود ۵۰/۰۰۰ جفت باشد. چند سال پیش قبل از اینکه کارخانه های گیش ماشینی ساخته شوند این ۵۰ هزار جفت گیش در ۵۰ کارگاه کفاشی درست میشد که هر کدام حدود ۵۰ کارگر داشتند که روی هم تعداد کارگران کفاش همدان برابر با ۲۵۰ نفر میشد. حال میدانیم که بجای اکثر کارگاههای کفاشی کارخانه های بزرگ کفش سازی درست شده است که هر دستگاهش روزی چندین هزار جفت کفش می سازد که بشمار سه یا چهار کارگر روی هر دستگاه آن کار نمیکنند. یعنی اگر یک کارخانه کفش سازی کوچک در همدان

تاسیس شود که حداکثر ۵۰ کارگر داشته باشد، نه تنها میتواند بجای آن ۵۰ کارگاه کفاشی تمام کفش مصرفی همدان را تامین کند بلکه باعث بیکار شدن ۲۵۰ کارگر کارگاههای کوچک کفاشی

میشود. چون کارگرانیکه در کارگاه کفاشی کار میکنند به علت اینکه با دست کفش می دوزند دیگر نمی توانند اگر کسی از کارشان بیکار شدند، در کارخانه جدید استخدام شوند به علت اینکه آنها طرز کار با ماشین های بزرگ بسیار پیچیده و اتوماتیک کارخانه های کفشی را بلد نیستند و مجبورند بیکار شوند ویا اینکه برای مدتی طولانی دنبال کار دیگری بگردند. حالا این سؤال پیش می آید که چون ماشین های جدیدی ساخته میشود که کار آدمها را کمتر میکنند پس باعث بیکاری عده ای از کارگران میشود. البته عده ای این جواب را در مقابل سؤال علت بیکاری میدهند و میگویند نباید دنبال ماشین و پیشرفت ابزار کار رفت با این خاطر که کارگران بیکار میشوند. این عده زیاد برای ما نا آشنا نیستند اینها کسانی هستند که

با هرگونه پیشرفتی در علم و صنعت و ماشین و وسایل تکنیکی مخالف هستند و اغلب دستگاههای جدید را نجس و ساخته خارجی و غربی میدانند. عده ای هم وجود دارند که با نشان دادن این پیشله که بیکاری در اثر پیشرفت وسایل و ابزار کار و پائین آمدن احتیاج به نیروی کار انسانی است، تمام تفصیلات بیکاری را کور واقع متوجه خودشان است از دوش خود برداشته متوجه عوامل دیگر میکنند. این عده شاید معرف حضور همه باشند، اینها سرمایه داران، این عوامل سه روزی کارگران هستند و فکر میکنند که با این جواب همه را قانع کرده اند و دیگر هیچ گناهی متوجه آنها نیست چرا چون سرمایه داران جز به سرمایه شان و به سود سرمایه شان به هیچ چیز دیگر فکر نمی کنند و هر عملی که در جهت بدست آوردن سود بیشتر باشد انجام میدهند. پس اگر آنها حاضر میشوند هر روزه دستگاهها

جدید و مدرن و کارخانه های با ظرفیت بیشتر و بیشتر که به علت تمام "اتوماتیک بودن احتیاج به کارگر کمتری دارند را سازند بدین خاطر است که به همراه بالا رفتن تولید و در نتیجه گرفتن بازار و از سر راه برداشتن کارخانه های کوچکتر و بیرون کردن عده ای کارگر سود بیشتری عایدشان میشود. چرا؟ چون کارگر کمتری دارند و دستمزد کمتری میپردازند و از طرف دیگر با انحصاری شدن یعنی بیکار شدن در بازار، جنس خود را به هر قیمتی که دلشان بخواهد می فروشند، و از این راه عاید شدن هنگفتی به چنگ می آورند. پس چنین بنظر میرسد که یکی از علل بیکاری در حال حاضر هرچه ماشین تر شدن کارها است. اما آیا واقعا "ماشین باعث بیکاری کارگران میشود؟ چرا علم و تکنیکی که قرار است در خدمت بشر قرار گیرد در مورد کارگران بر علیه آنها اقدام میکند؟ آیا اصولاً این مطلب درست است که ماشین عامل بیکاری کارگران است؟ برای توضیح مطلب لازمست که اشاره کنیم، تمام اختراعات و اکتشافات بشر برای سهل الوصول تر کردن نیازهای انسان و در خدمت او مورد استفاده قرار میگرفته. بعنوان مثال ماشین سواری، هواپیما و مثال آنها برای هر چه سریع تر رساندن انسان به مقصد

و انواع کارهای دیگر قابل استفاده است. از هواپیما میتوان بعنوان هواپیمای جنگی و در خدمت کشتار مردم و بتنام استفاده کرد و در عین حال از همین هواپیما میتوان برای سم پاشی کردن مزارع و جلوگیری از آفت زدگی محصولات کشاورزی و باران شدن غذا و کمک دارویی به سیل زدگان و زلزله زدگان استفاده نمود. از ماشین میتوان هم بعنوان ابزاری مثل تانک استفاده کرد و هم بعنوان آمبولانس. پس صنعت با ماشین بسته به آنکه در چه موردی استفاده شود میتواند در خدمت بشر یا بر علیه او مورد استفاده قرار گیرد. در تولید هم همینطور است، یعنی کسی که میخواهد ماشین را به خدمت بگیرد، یا میخواهد از آن بعنوان ابزاری برای زیاد کردن پول خود استفاده کند و یا برای تولید بیشتر و در خدمت جامعه، در جامعه سرمایه داری تولید در جرف برای خدمت به مردم انجام میشود ولی در عمل برای زیاد کردن پول سرمایه دار و بردن منفعت بیشتر.

با وجود این ممکن است سؤال شود که این بجای خود درست است که سرمایه داران برای مردم بلکه برای منفعت خودش از ماشین استفاده میکنند اما چون ماشین استفاده از سرمایه داری

مورد حمله قرار نگیرد. ما سعی میکنیم دستش را رو کنیم و کسایش بزرگ را رسوا کنیم.

گفتیم که علت اصلی بیکاری در ماهیت خود رژیم سرمایه داری نهفته است یعنی یکی از ارکان و پایه های اصلی سرمایه داری وجود داشتن خیل بیکاران است و اگر این سپاه بیکاران وجود نداشته باشد، سرمایه داری نمیتواند ادامه حیات بدهد. چرا که اگر همه کارگران سر کار باشند بطور سرمایه داران میتوانند با سلاح بیکار کردن کارگران بسه جنگ آنها بروند و اگر کارگران بدانند که بهیچ وجه بیکار نخواهند شد آنوقت بدون ترس از بیکاری آنچنان با سرمایه دار مبارزه میکنند که دیگر جرات نکنند آنها را بسپا بیکاری بترسانند. بیشتر توضیح بدهیم. اگر سپاه بیکاران وجود نداشته باشد بطور سرمایه دار میتواند در بین کارگران رقابت و کشمکش برپا سازد و با این ترس بیکارگران را وادار کند که برای گرفتن مقدار بیشتری دستمزد هرچه سریعتر و بیشتر تولید کنند تا سرمایه دار هرچه بیشتر سود ببرد و کارگران هرچه بیشتر به علت رقابتی که در بین شان بوجود میاید از هم دور شوند و متحد نشوند. اگر بیکاران نباشند چگونه سرمایه داران میتوانند مزد کارگران را پائین نگه دارند و هر وقت که مبارزه کارگران بکسری مزد بیشتر شروع شود از ترس اینکه سیادا اخراج شود و یکی از بیکاران جای او را بگیرد، ناچار شود که با کمی اضافه دستمزد بسازد. اگر کارگرانی بیکار نباشند بطور سرمایه داران میتوانند هر وقت که خواستند کارخانه های جدید بسازند و برای هر تعداد کارگر را که خواستند استخدام کنند. پس خیل بیکاران سلاحی است در دست سرمایه داران که با آن کارگران را هر موقع که خواستند تر میبرند و هرچه بیشتر بر سرمایه شان اضافه میکنند (پس روشن است که ما مثل بیکاری کارگران دنبال کار گرفتن و یا پیزی نداشته نبوده است). علاوه بر عواملی که قبلا توضیح دادیم عامل دیگری نیز هست که ناشی از انقلاب و درگونی اقتصادی و سیاسی جامعه بوده و باعث افزایش وسیع بیکاری گردیده است. این بیکاران در اثر بسته شدن کارخانه هایی که صاحبانشان فرار کرده و یا کارخانه هایی که سازنده وسایل لوکس بوده اند و یا بسته شدن بعضی صنایع بسیار پیشرفته مثل کارخانه های برق اتمی و کارخانه هایی از این نوع پیدا شده اند و علت است بیکاری هم طاقوتی بودن صاحب کارخانه و یا خود کارخانه بوده است. آیا میدانیم که بر سر این کارگران بیکار چه آمده است؟ آیا میدانیم که آنها در اثر بیکار شدن در زمانیکه اینهمه قیمت ها بالا رفته و زندگی بسیار سخت و مشکل شده چه میکنند؟ اینها به گروه بیکارانی که قبلا "توضیح دادیم" اضافه شده اند و همگی باهمه خیابان ها سرازیر گردیده برای پیوستن کردن کار، هر روزی همه اقدامات ممکنه را انجام میدهند. اینها بیکارشدنشان هیچکدام از علت های قبلی نیست بلکه علت است بیکاری آنها بیشتر بخاطر بحران اقتصادی و سیاسی ناشی از انقلاب بود و رژیم جدید بدون اینکه هیچ برنامه ای برای آنها داشته باشد فقط سعی میکند با پنهان کردن وجود $\frac{2}{5}$ میلیون بیکار شرمشله را از سر خود باز کند. این بیکاران کسانی

هستند که با لبان دراز کار کرده اند و حتما "با این کار خرج چندین سماعله خود را میداده اند ولی حالا معلوم نیست چطور باید امرار معاش کنند چه کسی مسئول بیکاری آنها و عدم تامین مالی شان است. چه کسی غیر از دولت "انقلابی" مسئول است که قبل از آنکه کار جدیدی را برایشان پیدا کند آنها را بیکار کرده است؟ این بیکاران در مقابل اینهمه فشار و تنگنا که بعد از انقلاب برایشان وجود آمده چکار میتوانند بکنند؟ شاید تا حالا کمتر کار بست که نکرده باشند تا بتوانند زندگی خود و خانواده شان را تامین کنند. از اوائل اسفند سال گذشته که انقلاب ایران پس از سرنگون کردن رژیم طاغوتی پهلوی به پیروزی رسید بیکاران دست به هر گونه مبارزه ای زدند و از مراجعه به مقامات مسئول گرفته تا جمع شدن و شتابنده انتخاب کردن نمایندگان را به وزارت کار فرستادن و تعین کردن و اعتصاب غذا کردن و راهپیمایی و تظاهرات راه انداختن و غیره و غیره که همگی را در زمان رژیم انجام داده اند که ادعا میکنند در خدمت "مستضعفان" است ولی آیا دولت "انقلابی" تاکنون جوابی به مسئله بیکاران داده است. آیا راه حلی برای این بیکاران پیدا کرده است؟ آیا بیکاران که برای پیدا کردن کار دست به هر عملی قانونی زده اند تا اولیه ترین حقوق یک انسان یعنی داشتن کار برای زنده ماندن را داشته باشند. بجز مهرضد انقلاب و کمونیست و عامل خارجی و امپریالیسم زده است؟ مگر امیراستظام خائن نیستند که بیکاران جمع شده در خانه کارگروا عا مسلسل امپریالیسم و ضد انقلاب معرفی میکرد و حالا میبینیم که بطور سرخوش از توی آخور امپریالیست ها بیرون آمده و از همان آخور بود که فریاد میزد بیکاران جمع شده در خانه کارگروا متعین در دادگستری ما موریس سیا و امپریالیست هستند؟ با همه این بدنام کردن ها و توهین ها میبینیم آیا دولت جدید برنامه ۴ هم برای بیکاران دارد؟ بله دولت جدید برای بیکاران برنامه ۴ مقرر دارد. میبینیم برنامه دولت چیست؟

در روزنامه با معاد بتاریخ ۵۸/۱۰/۱۲ میخوانیم که: "در شورای انقلاب طرح اشتغال به کار بیکاران تصویب شد."

در این مورد آقای هاشمی رفسنجانی وزیر کشور توضیح میدهد که:

برای این منظور استانداران به شهران دعوت شده اند تا در جریان این طرح قرار بگیرند."

اولا اگر مسئله مربوط به کار و کارگری است که چهارضابطی بنا وزیر کشور دارد و اگر وزارت خانه ای که اسمش وزارت کار است و کارش هم مربوط به رسیدگی به مسائل کارگران و کارخانه ها و بیکاران است چرا باید وزیر کشور مسائل کارگری را رتق و فتق کند؟ اگر هراستان اداره کار و مدیریت کار دارد چرا برای توضیح اشتغال به کار بیکاران از استانداران دعوت میشود که به تهران بیایند؟ البته محبت این نیست که وزارت کشور به مسئله بیکاران رسیدگی نکند اما مسئله اصلی این است که چطور با چه کلکی وزارت کشور میخواهد جلوی حرکت مبارزاتی بیکاران را بگیرد. چون بیکاران در اکثر استانها دست به راهپیمایی و تعین و اشتغال استانداران زده اند و برای جلوگیری بقیه در صفحه ۵

شرکت تعاونی بیکاران اعلام میشود که قرار است سهام شرکت ها را به بیکاران بفروشند و از سود سهام بیکاران بتوانند امرار معاش کنند. جل الخالق!! معلوم شد که از این همه سود و بروی و کمسیون تشکیل دادن و استخدام نکردن در شرکت های دولتی چه منظوری داشته اند و بیکارانی را هم که در نظر داشتند چه کسانی بودند. این بیکاران که دولت در نظرداشت کسانی هستند که بعد از انقلاب سرمایه هایشان مدتی است بیکار مانده و در حقیقت برای سرمایه شان کار پیدا شده کار این سرمایه دارها خرید سهام شرکت های تعاونی است. واقعا که از این بهتر نمیتوان ماهیت وابستگی این دولت به سرمایه دارها را نشان داد. اگر کسی آنقدر پول داشته باشد که بتواند سهام یک شرکت را بخرد و از محل سود سهام زندگی کند، آنوقت خیلی روشن است که برای این پولدارها باید آقای وزیر کار و آقای رفسنجانی و شورای انقلاب بنشینند و برایشان کار جور کنند!

بنظر می رسد که تا اندازه ای مسئله بیکاری و انواع آن توضیح داده شد. یک مسئله رانیز بعنوان پایان مطالب اضافه کنیم و آن اینست که میدانیم بیکاری مرض جامعه سرمایه داری است و این مرض را هرکسی که در جامعه سرمایه داری زندگی میکند ممکن است که بگیرد. یعنی شری است که در خانه همه می خوابد. نباید اینطور فکر که حالا که سر کار هستیم هیچ مسئولیتی در برابر بیکاران نداریم. این بیکاران هم جزو ما کارگران هستند. آنها هستگرای ما در مبارزه علیه سرمایه داری هستند. نباید با جدا کردن سنگرها از یکدیگر دور شویم. برای حل کردن مسئله بیکاری باید از هر امکانی استفاده کنیم تا بتوانیم از این راه در ضعف کردن سرمایه داری سود ببریم و از این طریق هر روز بیشتر و بیشتر در جنگ با سرمایه داری خود را بسازیم تا برای نبود نهایی با و آماده شویم. برای پیشبرد این هدف و رسیدن به این منظور باید از خواست به حق کارگران بیکار پشتیبانی کنیم و در مبارزه ای که آنها در پیش گرفته اند به آنها کمک کنیم چون پیروزی آنها پیروزی ماست و دور نیست روزی که همه کارگران چه بیکار و چه شاغل با هم سرمایه داری را از جامعه بکنند.

از این مسئله و افشاشدن هر چه بیشتر دولت به اصطلاح حامی مستضعفین باید استاندارها جمع شوند و برنامه مشترکی بریزند و این جمع شدن استاندارها را توضیح طرح اشتغال بیکار بیکاران میگویند! در همین روزنامه بتاريخ ۵۸/۱۰/۱۷ میخوانیم که: "در پایان جلسه استانداران که برای درجریان قرار گرفتن طرح اشتغال بیکار بیکاران جمع شده اند و وزیر کار گفت که از استخدام افراد بیکار در بخش دولتی باید پرهیز کرد. و آنها را ترغیب کنیم به اینکه به کار در بخش خصوصی در بیایند و این سیاست استعماری رژیم گذشته بود که با استخدام آنها در بخش دولتی آنها را تبدیل بسببه نیروی مصرفی کرده بود."

دست شما درد نکند آقای وزیر! شما جلسه تشکیل دادید که طرح اشتغال بیکار بیکاران را تهیه کنید یا اینکه جلسه تشکیل دادید که عده ای را هم بیکار کنید؟ شما واقعا نشان دادید که این جلسات و این گرد هم آشی چیزی جز گول زدن مردم نیست. شما چون هیچ برنامه ای نداشتید نه فقط از استخدام افراد در بخش دولتی جلوگیری نمودید بلکه با از این هم جلوگیری کردید و کسانی را که در سازمانها و کارخانه های دولتی مشغول به کار هستند بعلت اینکه تحت سیاست های استعماری رژیم گذشته استخدام شده اند، نیروی مصرفی خواندید و حتما باید حرف شما را گوش کنند و همین روزها به خیال بیکاران اضافه شوند. درست است که بعضی از سازمانها و ادارات دولتی غیر لازم هستند اما شما چه برنامه ای برای این ادارات و سازمانها دارید؟ آنها هم سودا، آنها هم گوش فلک را کر کردن فقط برای این بودند که بگویند بیکاران در بخش خصوصی استخدام شوند؟ شما چه فرقی با وزرای سابق دارید که وقتی به آنها می گفتند نان پیدا نمیشود می گفتند که مردم نان شیرینی بخورند؟ و بجای آنکه کار برای بیکاران پیدا کنید به آنها میگویند که در بخش خصوصی استخدام شوید. یعنی اینکه این بیکاران به این علت کار پیدا نمی کنند که میخواهند استخدام دولت شوند؟ شما خودتان را در پشت پرده انقلاب مردم مخفی می کرده اید و وزیر انقلابی بودن فقط اسمش را بدم می کشید و نقاب انقلابی بر صورتتان زده اید. شما میدانید که آنها هم سرمایه گذارهای رژیم قبلی در بخش های صنعتی و کشاورزی و تجاری برای بر کردن جیب آنها و اربابان خارجی اش انجام گرفته بود. و امروزه همت انقلاب مردم ما میبایست در خدمت مردم مورد استفاده قرار گیرد. اما بعلت اینکه دولت شما برنامه ای برای آنها ندارد چون شما نمیتوانید هیچ وجه یک سرمایه اقتصادی مرفعی و بفتح مردم بدهید، بعلت اینکه زیر پرچم کسانی سینه میزنید که جز به منافع شخصی خود به هیچ چیز دیگر فکر نمیکنند. بدین خاطر تمامی این منافع بیکار و را که مانده و همه کسانی که در آن کار میکردند بیکار شده و اکثرشان نیز در بخش خصوصی بوده اند. شما هنوز مسئله اینها را حل نکرده به بقیه بیکاران راه حل استخدام در بخش خصوصی را پیشنهاد می کنید. آیا شما عوام فریب نیستید؟ و بالاخره در اطلاعات روز ۵۸/۱۰/۱۷ پرده از طرح پیشنهادی شورای انقلاب برداشته میشود و نقاب پاره را از صورت کسانی که بسرای بیکاران برنامه داشتند کنار میزنند. در این برنامه طرح یک

بقیه گفتیش عقاید و ... از صفحه ۹

پلیسی نیست بردارد. کارگران مبارز هرگز این کارها را تحمل نخواهند کرد و اگر گفتیش ادامه پیدا بکند اقدامات لازم را برای قطع این نوع اعمال از طریق شورا، بعمل خواهند آورد.

"نابود باد اقدامات ضد کارگری"

ان بدر گشتند ، باعث میشود که حتی در مسائل صغی نیز تحت استثمار شدیدی قرار گیرند .

از دیگر شیوه‌های غد کارگری که بدلیل عدم آگاهی سیاسی در بین کارگران در این کارخانه قابل اجراء است اینجاست رقابت بین کارگران از طریق تشویق بکار در مقابل مقدار ناچیزی پول بیشتر و در نتیجه ارتقاء تولید میباشد . برای تولید هریک سوار اضافی برای کارگران ساده ۱/۳۰ و کارگران ماهز ۲ ریال در نظر گرفته شده (که البته بر حسب حقوق ثابت محاسبه میگردد) این رقابت ایجاد شده باعث ارتقاء تولید و افزایش سرمایه کارفرما میباشد . (قیمت تمام شده یک سوار ۱۵۰ تومان است که به قیمت ۲۹۰ تومان بر حسب بر حسب کارشون به بازار عرضه میشود) .

بقیه تفتیش عقاید از صفحه ۱

کارگران خواسته شد که کارگران اخلاک را مرفی نمایند . چند روز بعد از این جلسه ، اعلامیه‌ای از طرف هیئت مدیره صادر گردید که در آن اعلام شده بود ، سلطنت اینکده عده‌ای تشریفات کمونیستی بدرون کارخانه میبرند و پاکسازی ابزار کارخانه را از کارگاه خارج میکنند ، لذا از این به بعد کارگران و کارمندان کنترل و تفتیش خواهند شد . در مقابل این تصمیم هیئت مدیره و شور ، کارگران آگاه کارخانه در نشریه خود یعنی در شماره ۲ ارج به کارگران هشدار داده و به افشای این عمل پلیسی در کارخانه پرداخته است . در اینجا عین اعلامیه درج میشود :

اخیراً از طرف شما اعلامیه‌ای منتشر شده است برای این اساس که چون عده‌ای از کارگران اعلامیه‌های کمونیستی به داخل کارخانه میآورند ، از این به بعد نگهبانی به اتفاق پاسداران مسلح به هنگام ورود ، کارکنان را مورد بازرسی قرار میدهند و تاکید نموده‌اند که در این مورد حتی داخل ماشینها را نیز خواهیم گشت . ضمن غیر قابل اجرا بودن این اقدام باید بگوئیم که کارگران آگاه و انقلابی دیگر اجازه این گونه اعمال بشرمانه و پلیسی را نخواهند داد .

کارگران باید بدانند که در صورت اجازه دادن به این گونه اعمال ، یک ساواک دیگر در انتظارشان خواهد بود . ساواک محمد رضا شاه جلاد نیز به اسم ایجاد امنیت و جلوگیری از کمونیسم سالهای سال اختناق را بر میهن ما جاگرم نموده و هزاران

انقلابی را بنام مبارزه با کمونیسم به شهادت رسانید . آری کارگران دیگر زیر بار هیچ نوع دیکتاتوری و تفتیش عقاید نمیروند . هنوز خاطره کارگران مبارز این کارخانه و سایر کارخانجات که سالها شکنجه آبرامهری را بخاطر هدفشان تحمل کردند از یاد نرفته است . این کارگران راجه‌کسانی نپو داده بودند ؟ مگر نه اینکه حفاظت و نگهبانی ساواک زده کارخانجات و دیگر ارتجاعیون و خبر چینیان باعث دستگیری کارگران مبارز میشدند . این عناصر مرتجع شناخته شده که سر و کلاهشان در همه جابه چشم میخورد انگار نمیدانند انقلابی انجام شده است و میخواهند باز هم کارخانه را مرصه تاغت و تاز نیروهای پلیسی کنند (و البته این بار نیز به

بقیه گزارشی از صفحه ۱

استثنائی است زیرا که کارفرما مواد اولیه را بمقدار زیاد انبار میکند) می باشد . از میزان سرمایه کارخانه اطلاعی در دست نیست . در ساختمان کارخانه پنکه و بخاری از نوع پلار وجود دارد که هواران بسیار مناسبی می دارد . با این وجود امراض رماتیسم ، سیاتیک ، و سل در میان کارگران پدیدار است . مواد اولیه کارخانه برنج ، المنت حرارتی (پیش ساخته) ، ترموستات (پیش ساخته) و غیره میباشد . المنت (یا وسیله گرم کننده) و ترموستات (یا دستگاه خاموش کننده) هر دو از آلمان وارد میشوند . مواد فرعی مانند دسته سوار و شیر ، دسته ترموستات و لامپ نیز از ژاپن وارد می شود و تنها قسمت روکش سوار و بدنه آن در ایران ساخته می شود .

این کارخانه قبلاً تولید کننده ظرف های مسی بوده که با وارد شدن ظروف فلومین به بازار ظرف رشتن شدن آن می رفت . در همین دوران بود که آقای اشعاده صاحب کارخانه با کمک فکری یک کارگر ، سرمایه خود را در تولید سوار و برقی به کار انداخت و خود را از ورشکستگی نجات داد .

تعداد کارگران کارخانه ۴۰ نفر و تمامی آنها مسرد هستند . کارگران این کارخانه عمدتاً دریکی از بخشهای پرس کاری ، خم کاری ، پرداخت کار ، سوار سازی ، مونتاژ کاری و آب کاری مشغول هستند . حد متوسط سن کارگران ۲۵ سال و میزان سواد آنها ابتدائی است . کارگران کارخانه ۴۰ درصد ترک و بقیه فارس هستند .

ساعات کار بین ۷ صبح الی ۵ بعد از ظهر است . حداقل دستمزد ۴۰۰ تومان و حداکثر آن ۳۰۰۰ تومان در هفته میباشد . کارگران از حق بیمه درمانی که توسط کار فرما تامین میشود برخوردارند . کارگران که حد متوسط تعداد افراد خانواده ۵ تا ۶ نفر است ، اکثراً در شهر ری ، یا جی آباد و نازی آباد در شرایط متوسطی زندگی می کنند .

با وجود برخورداری از بیمه درمانی وضع بهداشتی کارگران در کارخانه بسیار وخیم است ، کارگران آبکاه همیشه در خطر ابتلا به رماتیسم (از نوع شدید) و سیاتیک بسر میبرند . این کارگران بدلیل دوده حاصل از پرداخت کاری که مانند شیر به سر روی آنان می چسبد مجبورند که هر روز به حمام بروند (البته در کارخانه حمام وجود ندارد) . در این کارخانه سدیکا با شورا وجود ندارد . خواسته های کارگران در ابتدائی ترین سطح خود میباشد .

کارگران با سابقه در قسمت آبکاری ، پرسکاری و پرداخت کاری شاغلند . این کارگران (۱۰ درصد کل کارگران) از میزان آگاهی سیاسی کمتری برخوردار بوده و در نتیجه این کمبود عملاً در حفظ منافع کارفرما بکار گرفته میشوند . بعنوان مثال قسمت پرداخت کاری در کنشرات یک نفر است که دوست و هم حامی کارفرماست . این شخص خود در تولید هیچگونه شرکتی نداشته و کل تولید را در اختیار به کارگر قرار داده است . وی مانند انگلی است که از شیره کار کارگران بهره میگیرد و درآمد او بیش از مجموع حقوق به کارگر تحت نظارت اوست . کمبود آگاهی کارگران در این مورد و عدم آگاهی به اینکه خود قادرند این بخش را تحت کنترل گرفته و واسطه را از میان

نقشه کارگران و ریاست جمهوری از صفحه ۱۰

که نمیکردند واقعا "خواست واقعی آنها را منعکس نمیکرد، یکی یکی از کسانی که با زبان عامیانه ولی با کسب و شجاعت تمام لب مطلب را بیان کرده یک کارگر لبنیاتی بود. او در جواب مباحثه کننده که سؤال کرده بود: "بمنظر شما رئیس جمهور چه خصوصیاتی بایستی داشته باشد؟" پاسخ میداد: هیچکدام از اینها که گاندیدای ریاست جمهوری ندهاند نه کارگر هستند و نه در طبقه کارگر را میدانند. رئیس جمهور سیاستی از میان طیفه کارگرو برای خدمت به زحمتکشان برحاسته باشد. اظهار نظراین کارگر ساده بیان کننده یک واقعیت تلخ و در عین حال مهم است که بطور اکثریت توده های کارگرو زحمتکش ما که انقلاب را به ثمر رساندند و در اکثر استعاضات و رفرا اندوم های چندین میلیون تعیین کننده بوده اند در هیچ کدام از تصمیم گیری های مهم مملکتی نقشه ای نداشته اند. تعداد شورای انقلاب و نه در مجلس با اصطلاح غیر کارکنان در دولت و نه در ریاست جمهوری و طبیعتا "در مجلس شورای ملی و غیره. آیا این مسئله برای کارگران و زحمتکشان اینست که منسوب نیست؟ بهر حال نظر اکثریت کارگران و توده های رنجور هرچه که باشد مسلما این نخواهد بود که سرمایه داران و طرفداران سرمایه داری بتوانند بعنوان نماینده کارگران منافق کارگران و طبقه کارگران را تا مین کنند. منافسانه بسیاری از مردم نا آگاه و حتی روشنفکران طبقه کارگر هنوز به این فکر نیافتاده اند که کارگران نماینده مستقل و واقعی خود را آنهم از طریق احزاب و سازمانهای انقلابی خودشان انتخاب دارند. نه اینکه کارگران را تشویق به دنباله روی از سرمایه داران و طرفداران سرمایه داری مانند آقای حبیبی یا سنی مدرو با جانی به طرفداری از خرده بورژوازی نظیر آقای مسعود رجوی بنمایند.

نقشه تفهیش عقاید ۷۰٪ از صفحه ۷

اسم مبارزه با کمونیسم در ضمن گویا از روی دلتشوزی میخواهند کارگران اقلیت های خواستند تا سبدا افکارشان با مطلق منحرف شود. این دایه های گهربان شراز مادرشرا موش کرده اند که قاطعی زاده مزدور هنگامی که سخنرانی کذابی اش را به اتفاق سایر مزدوران شترتیب داد به کارگران میگفت: هر کسی هر عقیده ای دارد قابل احترام است ولی بنیادین عقیده وایدشولوزی را به داخل کارخانه نباید آورد. بنیادین عقیده اش را دم در جا بگذارد و به داخل نباید برود. با این حرف او توانست عدت ش ماه بر کارگران تحمیل شده حکومت کند و بعد از ش ماه تمام دسترنج کارگران را غارت کرده و به اروپا فرار کرد تا به اتفاق اروپاییان در آنجا با دسترنج ما خوش بگذرانند. قاطعی زاده از کارگران میخواست که افکارشان را دم در جا بگذارد و مانند یک ماشین پیروز و درست مثل یک پرن ویا یک نقطه جوش فقط کار کنند و به او پول بدهند. آری قاطعی زاده و سرمایه دارها و مترجمین پدرستنی میدانند که خواندن اعلامیه و نشریه برای است با بالا رفتن

نقشه در صفحه ۹

بقیه دزد واقعی ۱۰۰٪ از صفحه ۱۰

این حادثه و عاقبت آن از دو جنبه جالب توجه است. اولاً اقدام شجاعانه و فداکارانه این چهار جوان که مسلما تحت تاثیر احساسات پاک و انسانی و برای "تعدیل ثروت" بین سرمایه داران و فقیرترین بخش جامعه یعنی کودکان و دست یابان کار زده اند که این البته از نظر مارا و روش درست و اساسی علیه سرمایه داری نمیتواند باشد. ثانيا "طرز رفتار با سداران نسبت باین چهار نفر و کودکان و دست یابان نشان دهنده ماهیت رژیم جمهوری اسلامی است. ما شنیده بودیم که سرمایه داری و مالکیت سرمایه بطور غیر مستقیم و بواسطی در جمهوری اسلامی مشروط و مشروع است ولی دیگر لقمه را از دهان بی چیزترین و فقیرترین افراد جامعه یعنی کودکان و دست یابان کشیدن و به سرمایه دار برگرداندن بشکلی که حتی در رژیم قبلی و در رژیمهای با مطلق غربی و شرقی کمتر جیتسین نوعی فاشی را الا اقل در ظاهر نمیتوان مشاهده کرد. تعجب آور است. داستان از این قرار است که گویا این چهار جوان متعهد و مبارز و سیم و سیمت هزار تومان را به زور از یک سرمایه دار بنام "لاله زاریان" گرفته و آنرا میان کودکان و دست یابان تقسیم میکنند. ما بپرسیم آگاهی پس از نکایت سرمایه داران این جوانان متا ز را دستگیر و پس از مجاکمه آنان به میان کودکان و دست یابان رفته و پولهای "حرام" را از دست کودکان و دست یابان گرفته و به سرمایه دار حلال زاده بر میگردانند. حال بایستی پرسید که از نظر حکومت عدل جمهوری اسلامی این پولها در دست سرمایه دار حلال است و یا در دست کودکان و دست یابان؟

نقشه کارگران نفت از صفحه ۱

این همان شرطی است که در آینده در سطح جنبش انقلابی کارگری و جنبش دمکراتیک و فداکاریایی ایرانی رهبری طبقه کارگران تضمین خواهد نمود. عامل دوم که همان عقب نشینی رژیم حساب میآید، کوتاه آمدن حساب گزانه در مقابل کارگران صنعت نفت و بخیال خودشان رشوه دادن به کارگران پیدشاز و میازر صنعت نفت و ایجاد شکاف و تفرقه بین آنها و سایر کارگران و دادن رزق رقابت بین آنها و غیره میباشد. رژیم گذشته همیشه سعی داشته است که یک اشرافیت کارگری در میان کارگران صنعت نفت بوجود آورده آنها را بجان هم بیاندازد. بنابراین با توجه به تجربیات گذشته کارگران بخش های مختلف تولیدی بایستی این توطئه ها را افشا کرده و در مقابل امتیازات و سکت نشینند. از جمله پیروزی اخیر کارگران صنعت نفت در باره قانونی کردن ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها است که بنیادین از معذوره کارگران صنعت نفت سبارج شده. نکته کارگران بخش های مختلف تولیدی ایران چه دولتی و چه خصوصی را شامل شود

۴۰ ساعت کار در هفته برای کلیه کارگران قانونی باید گردد. درود به کارگران مبارز و سر سخت صنعت نفت ایران. برقرار باد وحدت یکپارچه کارگران سراسر ایران

بقیه اخبار از صفحه ۱۰

■ کارگران کارخانه ری - او - واک پس از مبارزه متوال علیه کارفرما بالاخره موفق شدند که تعطیل روزهای پنج سته را عملی کنند. از طرف دیگر آنها همچنین توانستند وقت نیاز را که مثلاً جزو ساعات کار بحساب نمیآید بتوانند نسبی از روزانه کار خود وارد کنند. دستبازی با حق که مثلاً توسط کارفرما با اعمال شده بود مسلماً یک موفقیت حتمی برای کارگران ری - او - واک بحساب میآید. ولیکن در عین حال لازم به یاد آوری که حقوق کامل و واقعی کارگران زمانی برآورده خواهد شد که سرمایه داری ناپسود شود. لذا تا نابودی سرمایه داری مبارزه برای کسب حقوق و آزادی ادامه خواهد داشته.

■ تحمیل کارگران کارخانه نان شهر کرج کارگران کارخانه نان شهر کرج با تحمیل خود در فرمانداری این شهر خواستار پرداخت دستمزد ۱۴ ماه بیکاری و بازگشایی کارخانه شدند. حدود ۱۳ ماه است که کارخانه نان شهرستان کرج بحالت نیمه تعطیل درآمده و ۱۳۰ کارگر آن در این مدت سرگردان بوده اند. کارگران میگویند که مدیر عامل شرکت با فروش مواد اولیه و درخواست وام بنام کارگران هیچ قدمی در جهت بازگشایی کارخانه برنداشته است.

بمنقل از سایر نشریات :

۱- اعتصاب کارگران به قتلای (ممنوع) برای افساد حقوق، حق بیمه و بازنشستگی، ادامه کار تا پایان پروژ سد، حق مسکن، در نشستی که نمایندگان کارگران با هیئت ویژه دولت و سرپرست شرکت داشتند، اگر چه اضافه حقوق کارگران تأیید نگردید ولی کارگران توانستند حقوق زیر را بدست آورند.

جلو گیری از اخراج ۷۰۰ کارگر - ادامه کار تا پایان پروژه - ایجاد صندوق وام ضروری با سرمایه شرکت و نظارت سندیکای کارگران.

۲- پیروزی کارکنان صنعت نفت پس از ۳ ماه مقاومت در برابر بخت نامه دولت در رابطه با تعطیل پنج شبه ها

۳- راه پیمایی فد امپریالیستی کارگران پروژه ای - آبادان در روز جمعه ۲۰ آذر. خواسته های کارگران در این راه پیمایی عبارت از، لغو قرارداد نظامی و اقتصادی با آمریکا - ملی کردن اموال آمریکایی به نفع زحمتکشان ایجاد حق بیمه بیکاری برای کارگران.

۴- اعتصاب چند ساعته کارگران کارخانه مینودر - صبح روز دوشنبه ۱۷ دیماه. خواسته های کارگران ایجاد شورای واقعی کارخانه و ملی کردن آن به نفع کارگران بوده است

۵- پیروزی اعتصاب یک هفته ای کارگران کارخانه کج

سازان - واقع در ایوانکی گرمسار با خواسته های زیر :

پرداخت سود ویژه - افزایش حق مسکن - اعتبار برای وام - پرداخت سختی کار - پیگیری و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.

۶- تجمع کارگران بیکار پروژه ای بندر خمینی (شاهپور) شرکت " استون و زیستر " امریکائی در روز ۱۲ آذر ماه. این تجمع در رابطه با شکایتی که کارگران در مورد رسیدگی به جیال و شرکت و حقوق عائله مندی، مسکن ایاب و ذهاب و ۵۰۰۰۰۰ تنظیم کرده و به اداره بندر تسلیم کرده بودند انجام پذیرفت. اداره کار بندر بدون در نظر گرفتن خواسته های کارگران، به نفع کارفرما رای صادر میکند. این رای از طرف کارگران مردود شناخته میشود و با پی گیری و مبارزه کارگران قرار بر این میشود که نمایندگان سندیکای پروژه ای برای ابطال رای صادره به شورای عالی کار بروند.

۷- بهداز موفقیت کارگران مبارز کارخانه عبیدی در جلو گیری از اخراج پنج تن از همکاران خود و بالا رفتن روحیه مبارزاتی کارگران سندیکای فرمایشی گذشته کارخانه نیز در اثر مجاهدت های کارگران منحل و شورای جدیدی با توافق کارگران و کارفرما تشکیل گردید. پس از تشکیل شوراکارگران خواستهای خود را مطرح و تصویب نمودند از خواستهای کارگران از جمله پرداخت سود و محاکمه عبیدی که در دفاتر کارخانه تقلب کرده و این دفاتر را از کارخانه خسار جبران کرده بود. میباید. کارگران با تحمیل خود و مقابله با حمایت نماینده دادستان از عبیدی توانستند حمایت سایر کارگران را بخود جلب کرده و به افشای توطئه های سرمایه داری بپردازند.

۸- دفتر مرکزی ایران دوجرخ در بلورا، جنب مرشد بنیز قرار دارد ولی خود کارخانه در شهر صنعتی قزوین (البرز) واقع شده است. نوع تولید کارخانه موتور سیکلت با ماها و پژو میباشد. سرمایه کارخانه وابسته به ژاپن و فرانسه است و سهامداران ایرانی آن طالع و امامیان هستند. امامیان کارمند بازنشسته شرکت نفت است که مدیر کارخانه نیز میباشد. این کارخانه دارای ۱۲۰۰۰ کارگر میباشد که اخیراً شورائی تشکیل داده اند.

بقیه تفتیشی عقاید ۵۰۰ از صفحه ۸

آگاهی کارگران و کارگر آگاه نیز به هیچ وجه زیر بار ظلم نرفته و اجازه نخواهد داد تا امثال فاطمه - زاده او را استعمار کنند و بعد به خارج فرار کنند. کارگر آگاه و انقلابی در صورت لزوم حق خود را بزور خواهد گرفت همانطور که از رژیم شاه جنایتکار گرفت. حال روی سخن ما مستقیماً با شورا است. چرا از کارگران میخواهند که چیزی نخوانند، چیزی ندانند و عقیده مشغمی نداشته باشند، شما که بسا رای ما کارگران به شورا رفته اید چرا میخواهید با این اقدامات دوباره ما را به بند بکشید. چرا میخواهید آزادی گفتار و عقیده را از بین ببرید و بالاخره چرا به عنوان پیشمرگ سرمایه داران جلو میایید، وارد عمل می شوید و همه را میگردید تا مبادا کسی اعلامیه بخواند. ما به شورا اعلام میکنیم تا هرچه زودتر از این اقدامات

بقیه در صفحه ۵

اخبار

سرمایه از روز ازل نبوده

روز جمعه بیست و هشتم دیماه، چند خانوار از کودکانشان آواره و بی خانمان که از حکومت جمهوری اسلامی هم خبری ندیده بودند، برای گرفتن ابتدائی ترین حق خود دست به یک عمل شجاعانه و انقلابی زده و یکی از ساختمان های خالی از سکنه را که قبلاً متعلق به یک سرمایه دار بوده و یک سال پیش فرار را برقرار ترجیح داده بود، اشغال میکنند. این ساختمان که در اوائل خیابان آزادی (شماره ۱۳۹) قرار دارد بلافاصله توسط پاسداران و عده ای چاق بدست معاصره و مورد حملات وحشیانه آنان قرار میگیرد. ساکنین ساختمان که حاضر نبودند بهیچوجه از حقوق انسانی خود دست بردارند، در مقابل مهاجمین مقاومت میکنند. در این ضمن گروهی از مردم محله که تا حدین ظلم و بی بقیه در صفحه ۸

قانون کار را کارگران باید بنویسند

قانون کار را باید کارگران بنویسند. قانون شورا های کارگری شرق تهران طی اعلامیه ای از تمام اتحادیه ها، سندیکا ها و شورا های کارگری خواستند که با تشکیل مجمعی قانون کار جدید را تدوین نمایند. طبیعی است قانونی که توسط کارگران نوشته شود قادر خواهد بود امتیازات به مراتب بیشتری از رژیم سرمایه داری حاکم به نفع کارگران بدست آورد و این یکی از وظایف مهم کارگران مبارز و آگاه است. ولیکن بایستی توجه داشت که یک قانون کار انقلابی هیچگاه مورد موافقت و رضایت سرمایه دار نخواهد بود و آنها جز در موارد بی اهمیت حاضریه پذیرفتن حقوق اساسی کارگران در قانون کار نیستند.

دزد واقعی کیست؟

خبری داریم از کیهان دوشنبه اول بهمن ماه. عنوان خبر اینست: "چهار جوان ۳۲۰ هزار تومان دزدیدند و بیست و یک کودک تشنگان تقسیم کردند." بقیه در صفحه ۸

طبق آخرین خبر رسیده کارگران کارخانه آذور (که اجاق های گاز تولید میکنند) بخاطر خواستهای خود از قبیل: حق مسکن، بودویزه، بهبود وضع ایمنی و بهداشتی و غذا، رسمی شدن کارگران غیر رسمی، دادن حق نظارت و کنترل بر تولید و فروش و استفاده به شورای منتخب کارگران، تکمیل سرویس ایاب و ذهاب، بدست بیش از یک هفته دست به اعتصاب زده اند. در حال حاضر کنترل کارخانه در دست کارگران میباشد.

کارگران شیمیکو. چندی پیش خواستار ملی شدن این صنعت شدند. تعداد این کارگران ۱۵ نفر میباشد. این مجتمع وابسته به انگلستان است و مواد حشره کش تولید می نماید. علیرغم خواست کارگران دولت در طرح خود تنها مابقی را ملی محسوب می نماید که با حاجیان آن فراری باشند و باور شکسته باشند.

کارگران صنعت خیاط تهران و حومه و گلشهر کرج برای تسلط یابی به خواستهای منفی خود اعلام گردمانی کردند. خواسته های آنان شامل پرداخت حداقل دستمزد تعیین شده توسط دولت، پرداخت ۱۵۰۰ ریال حق مسکن و تقلیل ساعات کاری به چهل ساعت در هفته میباشد. طبق اعلامیه کارگران گلشهری در روز چهارشنبه ۱۹ دی ۳۰ بعد از ظهر در گلشهر کرج انجام شد.

۸۰ کارگر شرکت ایران ویمفلکس در خطر بیکاری هستند. کارخانه این شرکت در شهر صنعتی البرز قرار دارد که از ۹ سال پیش شروع بکار کرده و روزانه ۲۵۰۰ متر مربع کفپوش تولید میکند. سهامدازان این شرکت، جیت ساز، جوزاچی و پرنوی هستند.

سفارش مواد اولیه که معمولاً از کاناداست و اصولاً در انبارها برای یکسال ذخیره و نگهداری میشود عمدتاً بعلت کار شکنی مدیریت سفارش داده نشده و عملاً تا چند روز دیگر به علت نبودن مواد اولیه کارخانه فلج خواهد شد. این بحران به دلیلته صاحبان کارخانه برای از کار بردن وایلیندن کارخانه و بیکار کردن کارگران و باز خرید کردن ۹ سال سابقه کاری ۹ ماه دستمزدها است. چندی پیش شورای این کارخانه تصمیم گرفت که تولید را به دفتر مرکزی واقع در چهارمادام کالسج فرستد و در داخل کارخانه بفرستد و این تصمیم کارگران به مرحله اجرا درآمده است.

کارگران و ریاست جمهوری

هفته گذشته گزارش از طویزیون ایران درباره نظریه نسبت به خودمختاری کمی که شخص رئیس جمهور رژیم ایالاتی ایران بایستی داشته باشد و پیش از این معاینه های کوتاهی که تهیه گردیده بود یکی از آنها پیش از همه جلب توجه میکرد. همین اشکال تمردی از مردم عادی بی تفاوت بودند و با اظهار نظراتی بقیه در صفحه ۸

درد و واقعی کیست؟
خبری داریم از کیهان دوشنبه اول بهمن ماه. عنوان خبر اینست: "چهار جوان ۳۲۰ هزار تومان دزدیدند و بیست و یک کودک تشنگان تقسیم کردند." بقیه در صفحه ۸